

رسانه و آموزش حقوق شهروندی

دکتر محمدرضا رسولی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
rasouli57@yahoo.com

خیری زنده بودی
کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی
zendeboodi.k@gmail.com



دکتر محمدرضا رسولی

و رفتارهای مورد انتظار جامعه میپردازد» (میرفردی، ۱۳۸۷: ۸۰). «که رسانه های جمعی در زمینه آموزش فرهنگ شهروندی نقش بسزایی دارند و به این طریق به تکامل فردی و اجتماعی افراد و در نهایت تکامل و توسعه اجتماعی جامعه یاری می رسانند و جامعه را به سمت توسعه پیش میبرند. برای تقویت روحیه شهروندی در ابتدا نیاز به فرهنگسازی درباره مبانی و الزامات زندگی شهروندی است. آموزش فرهنگ شهروندی، افراد جامعه را از حقوق و مسئولیت های مدنی شان آگاه خواهد کرد و این فرایند، هزینه های وارده بر جامعه را - که ناشی از ناآگاهی نسبت به حقوق و مسئولیتهای اجتماعی است - کاهش می دهد» (همان: ۸۱). چرا که شهروند آگاه خود رابخشی از جامعه تلقی میکند و منافع خود را خارج از منافع جامعه نمیداند و سود و زیان آن را همچون سود و زیان خود تلقی میکند و در قبال آن احساس مسئولیت دارد.

شهروند و حقوق شهروندی

«دو واژه شهروند و رعیت از نظر ادبی در مقابل یکدیگر قرار میگیرند. لیکن از نظر حقوقی نمیتوان

مقدمه
«هنگامی که از آموزش رسانه ای سخن به میان میآید عموماً کاربرد آن در مدارس و آموزشهای از راه دور تداعی شده و مورد توجه قرار می گیرد. در حالی که رسانه ها بویژه رادیو و تلویزیون، ظرفیتهای و توانایی های بسیار گسترده تری برای آموزش در تمام سطوح و حوزهها دارند. از این رو نقشی که رسانه های گروهی در شکلهای به هنجارها، ارزشها، نگرشها و رفتارها ایفا میکنند، نوعی آموزش تلقی میشود که بسیار فراتر از آموزشهای رسمی است و کل گستره مخاطبان رسانه ها را شامل میشود. مخاطبان آموزشهای رسانهای مستقیم عموماً کسانی هستند که به صورت تعمدی برای کسب اطلاعات از رساننها استفاده می کنند اما هنگامی که از آموزشهای غیرمستقیم یا پنهان سخن میگوییم، مخاطبان گاه به صورت منفعل و ناخودآگاه در معرض اطلاعات رسانهای قرار میگیرند و برای انجام رفتارهای خاص و کسب مهارتها، هنجارها و ارزشهای ویژه آموزش میبینند» (رضایی بایندر، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

«انسان در مقام موجودی اجتماعی، از طریق فرایند اجتماعی شدن به یادگیری مهارتهای زندگی و نقشها

ثبت می شود. سن او بسیار مهم است. نه می تواند بسیار جوان و نه بسیار سالخورده باشد. فرد به عنوان شهروند صلاحیت سیاسی برای شغل قضا در نظام قضایی، یا برای عضویت مجالس گوناگون شورایی خواهدداشت و در زمان جنگ نقش سربازی برای دفاع از دولت شهر نیز بر آن نقشها افزوده میشود» (گای، ۱۳۸۷: ۴۸). «از دیدگاه ارسطو، شهروندان گروهی اند که برای ایجاد نظم در برابر اغتشاشات و به منظور وضع قوانین برای حصول "خیر مشترک" با یکدیگر همکاری می کنند. او تعلق یافتن به این جامعه را از طریق خون (روابط خویشاوندی) امکانپذیر می داند» (فلاح زاده، ۱۳۸۶: ۵۰-۴۹).

«شهروندی در روم باستان به طور کامل معنای جدیدی پیدا می کند. از این رو، شهروندی دیگر به عضویت در یک "دولت-شهر" خاص محدود نمی شد و همچنین حتی کمتر بر پایه تعلق به یک اجتماع مبتنی بر خویشاوندی بود. با توسعه روم از یک دولت-شهر به یک امپراتوری وسیع، شکل شهروندی نیز به تبع آن توسعه یافت که قادر به ادغام مردمانی با ریشه های فرهنگی کاملا متفاوت بود. علاوه بر این، در زمینه های اجتماعی نیز شهروندی گسترش داده شد؛ چنانکه به بردگان آزاد شده هم که اغلب در خانواده ارباب خود باقی می ماندند، شهروندی اعطا شد» (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۱۰۹). «شهروندی رومی شهروندی فعال با اعمال قدرت سیاسی نبود و فقط پاره ای حق و تکلیف طبق قانون داشت» (فلاح زاده، ۱۳۸۶: ۵۰). «از این رو، در مقایسه با دولت-شهرهای یونانی، شاید بتوان گفت که شهروندی رومی در زمینه شمول و فراگیری قدیمی رو به جلو برداشت، ولی از جهت دموکراسی یک قدم به عقب برگشت» (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

«در قرون وسطی نیز، مدل رومی شهروندی را زنده نگاه داشتند. حاکمیت نظام فئودالیتیه و شهروندی غیرهمگانی و سلسله مراتبی و طبق مالکیت کاملا هویدا بود؛ ولی با توسعه لیبرالیسم، شهروندی منطق مساوات گرایانه به خود گرفت. در آن زمان (سده هفدهم)، ویژگی دولت ها پادشاهی مطلقه بود که همه چیز در دولت دارایی شخص شاه محسوب می شد» (فلاح زاده، ۱۳۸۶: ۵۰). «با پیدایش دولت-ملت ها بعد از قرارداد وستفالی (۱۶۴۸م) و کنگره وین (۱۸۱۵م)، نظام موازنه قوا نیز شکل گرفت و شهروندی اهمیت خاصی یافت. در این میان،

این تقابل را پذیرفت و حقوقی متفاوت برای رعایا و شهروندان به معنای سکنه شهر و روستا قائلشد. در دانشنامه سیاسی، شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیفهایی به عهده دارد. این رابطه را شهروندی گویند. چگونگی رابطه شهروندی (حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت) را قانون اساسی و قوانین مدنی کشور معین می کند شهروندی در عین حال منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بینالملل نیز محترم شمرده میشود» (کامیار، ۱۳۸۷: ۳۸). «تیاج مارشال شهروندی را به سه بخش تقسیم می کند، اما تحلیل در این مورد ارتباط مستقیمی با تاریخ دارد. او این سه بخش را اجتماعی، سیاسی و مدنی نامگذاری می کند. عنصر مدنی شامل حقوق ضروری برای آزادی شخصی، آزادی بیان و فکر و اعتقاد، حق داشتن مالکیت شخصی، منعقد کردن قراردادهای معتبر و حق دادگستری می شود. منظور مارشال از عنصر سیاسی حق مشارکت در قدرت سیاسی است. هر فرد مانند یک عنصر از بدن است که با یک رأی در نهادهایی مثل مجلس قانونگذاری، شوراهای محلی و دولت شریک می شود. در عنصر اجتماعی منظور مارشال یک گستره کامل از حق قسمت کوچکی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق سهیم بودن در میراث اجتماعی و طبق استانداردهای عمومی جامعه شهری زندگی کردن است» (Marshall, ۱۴۸: ۲۰۰۹-۱۴۹).

نظریه های شهروندی

«اثر ارسطو اولین تلاش نظاممند برای طرح یک نظریه در مورد شهروندی می باشد، در حالی که اولین تجلی نهاری تجربه شهروندی در دولت-شهرهای یونان بویژه در آتن از قرن پنجم تا قرن چهارم قبل از میلاد یافت شده اند اما شکل و کارکرد شهروندی یونانی ها بسیار متفاوت از شکل و کارکرد شهروندی دوره مدرن بود» (فالكس، ۱۳۸۱: ۲۵). «و در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است» (فلاح زاده، ۱۳۸۶: ۴۹).

«شهروند آتنی کسی است که در پایان آموزشهای مدنی و نظامی^۱ نامش در فهرست حوزه اقامت^۲ او

1. EPHEBE
2. DEME

(۱۳۸۶:۵۱).

«در سنت لیبرال، شهروندی اساساً به مثابه مجموعه حقوق فردی تعریف می‌شود. گفته می‌شود که این حقوق دارای چند کارکرد هستند. مهمترین کارکرد حقوق فردی این است که برخورداری از آنها استقلال فردی را به همراه می‌آورد. حقوق به افراد فضا می‌دهند تا منافعشان را توسعه دهند و نیروهای بالقوه‌شان را بدون دخالت افراد دیگر یا به طور کلی جامعه، تحقق بخشند» (فالكس، ۱۳۸۱:۷۸).

نظریه‌های ارتباطات

«امروزه، این که رسانه‌ها نقش مهمی در جامعه‌پذیری اولیه کودکان و همین‌طور جامعه‌پذیری درازمدت بزرگسالان دارند به‌طور گسترده مورد قبول قرار گرفته است. طبق نظریه کارکردگرایی، از مهمترین کارکرد رسانه‌ها انتقال فرهنگ است، رسانه‌ها با استمرار اجتماعی شدن پس از اتمام آموزش رسمی و نیز با شروع آن در سالیان پیش از مدرسه به جذب افراد کمک می‌کند، رسانه‌ها با نمایش و عرضه جامعه‌ای که فرد می‌تواند خود را با آن هم‌هویت ساخته و معرفی نماید، می‌تواند احساس بیگانگی یا احساس بی‌ریشه بودن او را کاهش دهد» (سورین و تانکار، ۱۳۸۴:۴۵۲).

«از جمله پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با نقش وسایل ارتباط جمعی در توسعه مربوط به **دنیال لرنر**^۳ است که تحت عنوان "گذر از جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه" است که در آن نشان می‌دهد استفاده از وسایل ارتباط جمعی تا چه اندازه می‌تواند نگرش و عقیده مردم را نسبت به توسعه سیاسی، اقتصادی و ملی این کشورها تغییر دهد از نظر لرنر بر اساس الگوی نوگرایی، حرکت از مرحله سنتی به مرحله گذار و سپس به مرحله جامعه نوین همواره با تغییر نظام‌های سنتی به نظام‌های نوین و نه برعکس همراه بوده است. و رسانه‌های جمعی در برابر مخاطبان فزاینده خود، هم از ظرفیت و برقراری ارتباط با "نوع تغییر" و هم از ظرفیت برقراری با امکان تغییر برخوردارند و میان شاخص‌های رسانه‌های نوگرایی و سیر نهادهای اجتماعی نوعی کنش متقابل وجود دارد» (مولانا، ۱۳۷۱: ۸۳). «راجرز نیز این نظریه را تأیید کرده است و در تحقیقاتش نشان می‌دهد که میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی نیز به نوبه

لیبرالیسم سهم عمده‌ای در پیدایش مفهوم شهروندی همگانی داشت. در سده نوزدهم، مفهوم شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و وظایف بود که رابطه میان دولت‌های ملی و یکایک شهروندان را معین می‌ساخت. در واقع، باید گفت که در سده هجدهم حقوق مدنی و در سده نوزدهم حقوق سیاسی شهروندی را توسعه بخشیدند و در سده بیستم نیز حقوق اجتماعی و اقتصادی شکل گرفت و مردم به مقدار زیادی به منابع عمومی دست یافتند» (همان: ۵۱-۵۰). «نخستین گام بزرگ در راه پیدایش ملت در اروپا، تحول از همبستگی خونی به همبستگی فراطیفه‌ای در اجتماعات شهری قرون وسطایی بود. از اینجا بود که شهروندی و حقوق و وظایف آن پدید آمد و هسته اصلی جامعه مدنی و ملت - در معنای تازه آن - شد. حضور اصناف خودفرمان و نوع مردسالاری در شهرهای قرون وسطایی اروپا به این‌طور مدد رساند. با تشکیل دولت ملی بود که ملت به معنای امروزی آن یعنی معنای اجتماعی "شهروندان" با "حقوق" معین و حق حاکمیت مردم، در اروپا وارد صحنه تاریخ شد» (جابری مقدم، ۱۳۸۶:۲۲۵).

«نقطه عطف واقعی در نظریه مدرن شهروندی، جایی که شهروندان موفق به وضع همه‌قوانینی - نه فقط حقوق اساسی یا قانون اساسی - که در سایه آن زندگی نماینده شدند، در انقلاب سال ۱۷۸۹ فرانسه تحقق یافت. در مقابل، انقلاب آمریکا که ۱۳ سال پیش اتفاق افتاده بود، آخرین انقلاب از انقلابات بزرگ مبتنی بر قرارداد اجتماعی که ملهم از اندیشه‌های لاک و روسو بودند» (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲:۱۱۹). «شهروند مدرنی که بعد از انقلاب فرانسه پدید می‌آید - بر خلاف اجداد یونانی - زندگی خود را به حوزه عمومی و خصوصی تقسیم می‌کند و حوزه خصوصی با اهمیت تر می‌شود. "آزادی از" در حوزه خصوصی وجود دارد. حوزه عمومی، فضایی جمعی است که در آن شهروند با دیگران در قالب مردم در طراحی و تنظیم قوانین برای خیر مشترک متحد می‌شود (همان: ۱۲۳-۱۲۲). «انقلاب فرانسه تأثیرهای مهمی در این مفهوم داشته است. جنبش‌های حقوق مدنی، ضد تبعیض و به دست آوردن حق رأی نیز در توسعه مفهوم شهروندی و حقوق مربوط بدان نقش داشته‌اند. انقلاب فرانسه دولت-ملت را با شهروندی ترکیب کرد و حقوق بین‌الملل آن را معادل ملیت به کاربرد؛ یعنی، عضویت در یک دولت» (فلاح زاده،

3. Daniel, Lerner

به مخاطب پاداش دهد (رضایت داشتن مخاطب از رسانه)، مخاطب با رسانه احساس یکپارچگی کند و به آن اعتماد باشد به این معنی که رسانه را مشروع و متخصص بداند و معتقد باشد که فرستنده عالی ترین منبع دانش و اطلاعات است» (مهرداد، ۱۳۸۰: ۱۷۱).

یافته های تحقیق

بین رضایت از برنامه های آموزشی رسانه ها و میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی همبستگی منفی وجود دارد. هر چه افراد از برنامه ها ناراضی تر هستند، میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی آنها بالاتر است و برعکس. البته این همبستگی بسیار ضعیف است. بین اعتماد به رسانه های داخلی و میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی همبستگی منفی نیز وجود دارد. یعنی با بیشتر شدن اعتماد به رسانه ها میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی کاهش می یابد و برعکس. میانگین آگاهی سه گروه اعتماد کم، متوسط و زیاد به رسانه ها با هم اختلاف معناداری دارند به این صورت که بیشترین آگاهی را گروه اعتماد کم، بعد از آن اعتماد متوسط دارند و در آخر پایین ترین مربوط به گروهی است که بیشترین اعتماد را به رسانه دارند.

با بالا رفتن تحصیلات افراد میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی نیز بالا می رود و برعکس. البته این همبستگی ضعیف است. میانگین آگاهی افراد با بالا رفتن سطح تحصیلات بالا می رود و این اختلاف میانگین از لحاظ آماری نیز معنادار است. با بالا رفتن سن میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی نیز بالا می رود و برعکس. البته این همبستگی ضعیف است. میانگین آگاهی شهروندان مناطق بافت فرسوده از حقوق و تکالیف شهروندی در گروه های سنی مختلف اختلاف معناداری ندارد و طبق داده ها با بالا رفتن گروه های سنی میانگین آگاهی آنها نیز بالا می رود.

میانگین آگاهی زنان از میانگین آگاهی مردان از حقوق و تکالیف شهروندی بیشتر است اما این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست. میانگین آگاهی متولدین شهر از میانگین آگاهی متولدین روستا بیشتر است اما این تفاوت نیز از لحاظ آماری معنادار نیست.

در رگرسیون متغیرها، شش متغیر مستقل میزان استفاده از برنامه های آموزشی رسانه ای، میزان استفاده از رسانه ها، میزان اعتماد به رسانه، میزان



خود می تواند پیش بینی میزان همدردی، شناخت سیاسی، آرمان های تحصیلی و خلاقیت را ممکن سازد» (کازنو، ۱۳۶۷: ۳۲۴).

«اندیشمندان انتقادنگر جهان سوم معتقدند که برای مقابله با عوارض تبعیض آمیز شیوه های نوسازی غربی که فقط به قشرهای مرفه اجتماعی توجه دارند و اکثریت افراد را در شرایط فقر و محرومیت نگاه می دارند، باید «سازماندهی» وسیع اجتماعی راه، به ترتیبی که تمام قشرهای محروم جامعه را در برگیرد، گسترش داد و از این طریق برای تسهیل اقدامات دسته جمعی توسعه بخشی، گروههای قدرتمند پدید آورد. طبق نظریه فریره، ارتباط فراگرد جدانشدنی از سایر فراگردهای اجتماعی و سیاسی ضروری برای توسعه و استقلال ملی است و ارتباطات باید در جهت آگاهی و استقلال قدرت های استعمار و استثمار باشد و راه حل آن، تغییر نظام آموزش مخزنی به آموزش ستمدیدگان است به این صورت که آنها با دیدی انتقادی به مسائل بنگرند. به عقیده او انتقال معلومات از یک منبع معرفتی قدرتمند به دریافت کنندگان انفعالی، به هیچ وجه در رشد شخصیت آنها تاثیر مثبت نمی گذارد و به ایجاد خودآگاهی مستقل و انتقاد نگر و توانا کردن افراد برای مشارکت در حل مسائل اجتماعی کمک نمی دهد» (رزاقی، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۵).

«طبق نظریه عوامل واسطه‌ای، در فرایند تأثیرگذاری رسانه ها پنج عامل است که در تأثیرپذیری مخاطب از رسانه مؤثر است که شامل قدرت پاداش دهندگی و اجبارکنندگی، ارجاعی بودن، مشروع بودن و متخصص بودن است. طبق این نظریه رسانه زمانی موفق است که بتواند برای رسیدن به هدف خود

رضایت از برنامه های آموزشی رسانه، میزان تحصیلات و سن و متغیر وابسته میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی به روش گام به گام وارد شد که در مرحله اول میزان اعتماد به رسانه وارد معادله شد، در مرحله دوم معادله سن نیز به میزان اعتماد به رسانه افزوده شد و در مرحله آخر میزان تحصیلات نیز وارد معادله شد. ولی در کل همه این متغیرهای مستقل فقط ۱۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کردند. این به این معنی است که متغیرهای تحقیق نقش چندانی در میزان آگاهی افراد از حقوق و تکالیف شهروندی ندارند و در کل رسانه ها به دلیل بی اعتمادی، میان مردم نمی توانند نقش خیلی مؤثری در آگاه سازی افراد ایفا کنند.

نتیجه گیری

طبق نظریه عوامل واسطه ای در فرایند ارتباط مخاطب با فرستنده، وقتی مخاطب از رابطه رضایتی نداشته باشد، ارتباط ادامه نمی یابد، ولی مسئله ای که در اینجا ما با آن مواجه هستیم، همبستگی منفی بین میزان رضایت از برنامه های آموزشی با میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی است. گروهی که رضایت کمی از برنامه های آموزشی دارند نسبت به کسانی که رضایت زیادی از برنامه ها دارند آگاهی بیشتری دارند و هر چه رضایت افراد از برنامه ها کمتر می شود، آگاهی آنها از حقوق و تکالیف شهروندی خود بالاتر می رود. این مسئله را می توان به چند طریق بررسی کرد یکی اینکه مخاطبانی که آگاهی زیادی از حقوق و تکالیف شهروندی خود دارند از برنامه های آموزشی رسانه ها رضایتی ندارند و آنها را ناکارآمد می دانند. دیگر اینکه، منبع آموزشی افراد در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی، رسانه های داخلی نیست و آن را باید جای دیگری مثل مدارس، دانشگاهها، رسانه های غیرداخلی و رسانه های خیابانی (مثل بیلبوردها، دیوارنوشته ها و...) جستجو کرد. عوامل دیگری که می توان در اینجا بیان کرد مشروعیت و متخصص بودن رسانه های داخلی است که با توجه به یافته های رسانه های داخلی ما برای مخاطبان بافت فرسوده شهر تهران از اعتبار لازم برخوردار نیستند و اغلب افراد رسانه های داخلی را قابل اعتماد نمی دانند و این دلیلی شده برای اینکه پیام های آموزشی رسانه را نیز قبول نداشته باشند و توجه چندانی به آنها نداشته باشند.

در صورت کلی این مباحث نشان از پایین بودن سهم رسانهها در آگاهسازی افراد از ارزشها و هنجارهای حاکم در جامعه را نشان می دهد و می توان اینگونه تفسیر کرد که رسانه های داخلی ما در کارکرد آموزشی و جامعه پذیری بسیار ناکارآمد عمل می کنند و بی اعتمادی که در ذهن مخاطبان نسبت به رسانه های داخلی شکل گرفته است این ناکارآمدی را پررنگ تر کرده است. ولی از جهت دیگری یعنی از دیدگاه اندیشمندان انتقادنگر جهان سوم به آن نگاه کنیم می توانیم به این طریق تحلیل کنیم که رسانه های ما به عنوان یک منبع معرفتی قدرتمند معلومات را به دریافت کنندگان منفعل انتقال می دهند و به همین دلیل است که این انتقال معلومات به هیچ عنوان در رشد شخصیت فرد تأثیر مثبتی ندارد و به ایجاد خودآگاهی مستقل و انتقادنگر و توانا کردن مخاطب برای مشارکت در حل مسائل اجتماعی کمک نمی کند.

بحث دیگر نقش عوامل زمینه ای در فرایند تأثیرپذیری از رسانه های داخلی و آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی است. که در این مقاله نیز سن، جنس، تحصیلات و محل تولد افراد کنترل شده است تا دریابیم که این عوامل در فراگرد ارتباطات چه نقشی دارند. که با بالا رفتن تحصیلات افراد، میزان آگاهی آنها از حقوق و تکالیف شهروندی نیز افزایش می یابد پس می توان نتیجه گرفت که آموزش رسمی در این زمینه توانسته است کارآمد باشد؛ و میتوان نقش مدرسه و دانشگاه را در جامعه پذیر کردن افراد به وضوح دید. با بالا رفتن سن نیز، آگاهی آنها از حقوق و تکالیف شهروندی بالایی رود که این نیز نشان می دهد غیر از آموزش های مدرسه، دانشگاه و رسانه های جمعی داخلی عوامل دیگری مثل ارتباط میان فردی و تجارب اجتماعی در آگاه سازی افراد مؤثر است. با کنترل جنس و محل تولد نیز رابطه معناداری یافت نشد.

پیشنهاد ها

از مهمترین علل ناکارآمدی رسانهها در آموزش حقوق شهروندی، عدم اعتماد افراد به رسانهها است. رسانهها برای حل مشکل باید جایگاه خود را در میان مردم پیدا کنند. از دیگر عواملی که در ناکارآمدی رسانه ها به چشم می خورد، رضایت کم افراد از برنامه های آموزشی رسانههاست. رسانه ها باید کیفیت و کمیت برنامه های آموزشی خود را افزایش دهند تا با جلب مخاطب بتوانند میزان آگاهی افراد از

۹- فلاح زاده، علی محمد، (۱۳۸۶)، نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۸، بهار.

۱۰- کازنو، ژان (۱۳۶۷). جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول

۱۱- کاستلز، استفان و دیوید سون، آلیسته، (۱۳۸۲)، مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی لو، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۲- کامیار، غلامرضا، (۱۳۸۷)، حقوق شهری و شهر سازی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم.

۱۳- گای، ماری، (۱۳۸۷)، شهروند در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.

۱۴- مک کوایل، دنیس، (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، چ دوم.

۱۵- مهرداد، هرمز، (۱۳۸۰)، نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران، موسسه فرهنگی- پژوهشی فاران.

۱۶- مولانا، حمید، (۱۳۷۱)، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

۱۷- میرفردی، اصغر، (۱۳۸۷)، «آموزش اجتماعی زمینه فرهنگ اجتماعی»، در نظرات همگانی شهروندی توسعه سازمانی، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۸۴-۷۵.

۱۸- میل، جان استوارت، (۱۳۸۶)، حکومت انتخابی، ترجمه علی رامین، تهران، نشر نی.

۱۹- نائی، هوشنگ، (۱۳۸۵)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، تهران، نشر نی، چاپ هفتم.

۲۰- ویندال، سون و دیگران، (۱۳۷۶)، کاربرد نظریه های ارتباطات، ترجمه دکتر علیرضا دهقان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

منبع انگلیسی

- Marshall, T.H(2009). 'Citizenship and Social Class'[online]. **Academic. udayton.edu.**

- Available: <http://academic.udayton.edu/front/search.htm> [10November2009]

حقوق و تکالیف شهروندی را بالا ببرد و از این طریق به هدف نوسازی مناطق فرسوده نزدیکتر شویم.

تقویت عوامل واسطه‌های به این صورت که برنامه‌ها و مطالب هم در شبکه های رادیو و تلویزیون تهران و هم در روزنامه ها و مجلات محلی پخش و چاپ شود به این معنی که با مصاحبه و تهیه گزارش و برنامه های مستند از محله های شهر تهران، با مخاطب ارتباط نزدیکتری برقرار کنند تا مخاطب، رسانه ها را خیلی دوردست و دست نیافتنی نبینند، بلکه احساس نزدیکی بین مخاطب و رسانه ایجاد شود.

با توجه به اهمیت موضوع، برنامه های آموزشی در ساعات پربیننده و پرشنونده تلویزیون و رادیو پخش شود. در روزنامه ها و مجلات، مطالب به صورت ساده و قابل فهم آورده شود تا همه گروه های جامعه با میزان تحصیلات متفاوت، بتوانند آن را درک کنند.

منابع و مآخذ

۱- بی، ارل، (۱۳۸۶)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، ج اول، تهران، سمت، چ چهارم.

۲- جابری مقدم، مرتضی هادی، (۱۳۸۶)، شهر و مدرنیته، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.

۳- رزاقی، افشار، (۱۳۸۱)، نظریه های ارتباط اجتماعی، تهران، نشر پیکان.

۴- رشیدپور، ابراهیم، (۱۳۴۸)، ارتباط جمعی و رشد ملی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

۵- رضایی بایندر، محمدرضا، (۱۳۸۲)، بررسی نقش رسانه ها در آموزش مهارت های شهروندی و رفتارهای مدنی، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۳، تهران، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

۶- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۶)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، ج اول و دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۷- سورین، ورنر جی و تانکارد، جیمز دبلیو، (۱۳۸۴)، نظریه های ارتباطات، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.

۸- فالکس، کیث، (۱۳۸۲)، شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.